

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شاپا: 739X-1735

دوره ۱۳، شماره ۱ (پیاپی ۶۷)، پاییز ۱۴۰۰

DOI:10.29252/PIAJ.2021.222157.1077

اسلام سیاسی و سیاست در افکار عمومی ایران معاصر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

مجید هادوی*

علی صناعی**

چکیده

یکی از مهمترین عوامل شکل دهنده به نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی شهروندان در کشورهای مختلف، جهان‌بینی سیاسی مردم است. طبیعی است انتظار داشته باشیم در کشوری که از سویی مردم دیندار هستند و از سویی دیگر حکومت بر مبنای ترکیب دین و مردم‌سالاری شکل گرفته، دین نقشی پررنگ در جهان‌بینی سیاسی شهروندان ایفا کند. هرچند مجموعه مطالعات شایان توجهی درباره سنجش دینداری در جامعه ایرانی انجام شده، این مطالعات معمولاً با هدف توصیف وضعیت دینداری در جامعه طراحی و اجرا شده‌اند و به دینداری به مثابه یک متغیر توصیف‌گر رفتار شهروندان، خصوصاً رفتار سیاسی آنها پرداخته نشده است. در این مقاله سازه‌ای به نام «اسلام سیاسی» پیشنهاد می‌شود که سنجش‌گر شدت تمایل شهروندان به حضور دین اسلام در حکومت است. ابتدا رابطه «اسلام سیاسی» با ابعاد مختلف دینداری بررسی می‌شود و سپس با استفاده از نظرسنجی‌های متعدد ملی نشان داده می‌شود که بر خلاف جناح‌بندی رایج اصلاح‌طلب/اصولگرا، «اسلام سیاسی» قدرت زیادی در توصیف نگرش‌های مختلف سیاسی در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی دارد؛ حتی زمانی که در کنار متغیرهایی مانند ابعاد مختلف دینداری یا گرایش جناحی قرار می‌گیرد. نشان داده می‌شود که این متغیر رابطه‌ای با گرایش‌های جناحی شهروندان ندارد و در عین حال یکی از ابعاد اصلی تاثیرگذار بر نگرش‌های سیاسی در کشور است.^۱

واژگان کلیدی: ایران، دینداری، اسلام سیاسی، نگرش‌های سیاسی

* پژوهشگر مستقل
mjdhdv@
gmail.com

** استادیار علوم
سیاسی دانشگاه
شهید بهشتی
(نویسنده مسئول)
a_sanaei@
sbu.ac.ir

۱. داده‌های این پژوهش متعلق به موسسه دیده‌گستر فرهنگ بینا بوده و توسط این موسسه در اختیار نویسندگان قرار گرفته است.

مقدمه

این که مردم نسبت به امور سیاسی و سیاستی چگونه می‌اندیشند و افکار سیاسی شهروندان چطور شکل می‌گیرد در همه جهان مهم است و در حکومت‌های مبتنی بر مردم سالاری اهمیت بیشتر دارد. یکی از مهمترین مجموعه متغیرهایی که اثرش در رفتار سیاسی مردم مطالعه شده است، «دینداری» است (Cohen et al. 2008; Kim 2006; Shupe 1977; Şandor and Popescu 2008). با این وصف طبیعی است که انتظار باشد که چنین مطالعاتی در ایران رونق بسیار داشته باشند. شوربختانه برغم مدعاهای بسیاری که در میان اصحاب سیاست درباره اثر دینداری بر رفتار سیاسی شهروندان وجود دارد، مطالعات انجام شده در این حوزه نادر هستند.

هرچند مجموعه مطالعات شایان توجهی درباره سنجش دینداری در جامعه ایرانی انجام شده است، این مطالعات معمولاً با هدف توصیف وضعیت دینداری در جامعه طراحی و اجرا شده‌اند و به دینداری به مثابه یک متغیر توصیف‌گر رفتار شهروندان، خصوصاً رفتار سیاسی آنها، نپرداخته‌اند (خدایاری‌فرد و همکاران ۱۳۸۷؛ خدایاری‌فرد و همکاران ۱۳۸۹). اندک پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه تجربه دینداری و کنش سیاسی پرداخته‌اند، با استفاده از نمونه‌هایی انجام شده که نمونه تصادفی شهروندان ایران نیستند و به همین دلیل یافته‌های این پژوهش‌ها را نمی‌توان به کل کشور تعمیم داد. در این پژوهش ابتدا بر اساس یک پیمایش ملی با جامعه هدف افراد بالای ۱۸ سال در کل کشور که در بهار ۹۹ انجام گرفته است ارتباط هر یک از ابعاد دینداری با تمایل فرد به اسلامی بودن حکومت (سازه‌ای به نام اسلام سیاسی) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پس از مطالعه‌ی رابطه ابعاد دینداری با اسلام سیاسی، بر اساس پیمایش ملی دیگری که آن هم جامعه هدفش افراد بالای ۱۸ سال کشور هستند و در مرداد سال ۹۸ اجرا شده است، به مطالعه ارتباط اسلام سیاسی با طیف متنوعی از نگرش‌های سیاسی مردم پرداخته می‌شود. در هر دو پیمایش منظور از اسلام سیاسی، تمایل فرد به اسلامی بودن حکومت کشور است و با دو گویه «لازم و ضروری دانستن اسلامی

بودن قوانین» و «لازم و ضروری دانستن براساس اسلام تصمیم گرفتن مسئولین کشور عملیاتی شده و مورد سنجش قرار گرفته است.

سازه‌ای مشابه آنچه در اینجا اسلام سیاسی نامیده می‌شود پیش از این نیز مورد استفاده قرار گرفته است (Tezcür and Azadarmaki 2008)، اما مقاله حاضر علاوه بر آن سه نوآوری در این راستا عرضه می‌کند: اولاً، این سازه را تدقیق می‌کند و آن را بر یک بنیان نظری استوار می‌کند. ثانیاً، در سطحی ملی ارتباط دینداری با اسلام سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد که پیش از این، تا آنجا که ما اطلاع داریم، نه به صورت منسجم انجام شده است و نه در سطح ملی. تجزیه و آزار مکی با نمونه‌ای بر گرفته از شهر تهران کار می‌کنند و از یک مدل دینداری هم در کار خود استفاده نمی‌کنند؛ در مطالعات دیگری که فرضیه‌های مشابه را مورد بررسی قرار داده‌اند، جامعه آماری صرفاً شهروندان یک شهر یا دانشجویان یک دانشگاه بوده است. ثالثاً، همانطور که ذکر شد، پژوهش حاضر صرفاً به دنبال بررسی رابطه دینداری با «اسلام سیاسی» نیست؛ بلکه رابطه «اسلام سیاسی» با نگرش‌های سیاسی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و در واقع مهم‌ترین یافته این پژوهش این است که سازه اسلام سیاسی، به گونه‌ای که در این کار ساخته می‌شود، به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای ایدئولوژی سیاسی در کشور کارآیی چشمگیری در توصیف دامنه وسیعی از نگرش‌های سیاسی دارد.

در بررسی انجام شده، ارتباط معنادار و قوی بین تمام ابعاد دین داری و اسلام سیاسی مشاهده می‌شود. به این معنی که هر چه فرد دیندارتر باشد تمایلش به اسلامی بودن حکومت کشور بیشتر می‌شود و هر چه سطح دینداری کمتری داشته باشد تمایلش به اسلامی بودن حکومت کشور کمتر خواهد شد. همچنین ارتباطی معنادار و قوی بین اسلام سیاسی و طیف متنوعی از نگرش‌های سیاسی مردم، مانند برآورد از میزان پیشرفت کشور، میزان موافقت با حمایت ایران از اسد در سوریه، نگاه نسبت به اسرائیل و... مشاهده می‌شود؛ مقدار قابل توجهی از واریانس نگرش‌های سیاسی مردم در حوزه‌های مختلف با اسلام سیاسی قابل توصیف است.

پیشینه پژوهش

الف. سنجش دینداری

مطالعات کمی در دینداری سابقه‌ای بیش از هفتاد سال دارد. نقطه آغاز بسیاری از این مطالعات مشخص کردن مفهوم دینداری و ابعاد مختلف آن است؛ مثلاً گریسی و سالت دینداری محصول سه جزء متمایز تعلق گروهی، اعتقادات دینی و رفتارهای دینی می‌دانند (Sheldon et al. 2017). این ابعاد گاهی به صورت نظری (مفهومی) و گاهی مبتنی بر تحلیل داده‌های دینداری بوده است که از هر دو جهت این پژوهش‌ها وابسته به بستر اجتماعی مطالعه هستند. مطالعات دینداری در ایران هرچند با تأخیری طولانی نسبت به بسیاری از کشورها شروع شده است، اما در دو دهه گذشته شاهد رشد تحسین‌برانگیزی بوده است. در این میان مدل‌های مفهومی متفاوت و متعددی ارائه شده است. برخی از مدل‌های مفهومی دینداری بر اساس تلفیق نظرات اندیشمندان غربی و اسلامی (خدایاری‌فرد و همکاران ۱۳۸۹؛ خدایاری‌فرد و همکاران ۱۳۸۷) و برخی دیگر با تلاش برای تلفیق مبانی دینی با مبانی علوم اجتماعی (طالبان ۱۳۸۸) ساخته شده‌اند.

شجاعی‌زند (شجاعی‌زند ۱۳۸۴) الگوی اکثر مدل‌های نظری دینداری را غیر بومی و عمدتاً پرورش‌یافته در بستری مسیحی یا یهودی می‌داند. وی با رویکرد نظری و مطالعه ساختارهای ابعاد دینداری غربی، مبتنی بر ابعاد وجودی انسان، ساختار دینداری را به پنج بعد اعتقادات، ایمانیات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات تقسیم می‌کند. وی این تقسیم‌بندی، یا هر تقسیم‌بندی قاطع دیگری بین ابعاد دینداری را صرفاً یک «فعالیت ذهنی-اعتباری» می‌داند و آن را به منظور مبنا داشتن سنجه‌های دینداری ضروری می‌داند (همان، ص ۵۷). وی مدل خود را از نظر سطح‌بندی مقیاس‌ها و ابعاد به مدل استارک و گلاک، از نظر شکل اصلی و فرعی کردن ابعاد به مدل کینگ و هانت و از نظر شکل متمایز ساختن ابعاد محوری از ابعاد حاشیه‌ای به مدل کورنوال و همکاران شبیه دانسته است (همان، ص ۵۰).

این مدل‌ها در کنار مدل‌های متعدد غربی مبنایی برای تولید متعدد

سنجه‌های بومی دینداری قرار گرفته‌اند (خدایاری فرد و همکاران ۱۳۸۹؛ سراج‌زاده و پویافر ۱۳۸۶؛ سراج‌زاده و پویافر ۱۳۸۸؛ سراج‌زاده ۱۳۷۸؛ شجاعی زند، شریعتی مزینانی و حبیب‌زاده خطبه سرا ۱۳۸۵). برخی از این سنجه‌های بومی دینداری صرفاً با هدف گزارش وضعیت دینداری یک جامعه‌ی هدف به کار گرفته شده‌اند، اما برخی نیز به بررسی تجربی مدل مبنایی خود پرداخته (سراج‌زاده و پویافر ۱۳۸۸؛ سراج‌زاده ۱۳۷۸؛ سراج‌زاده و پویافر ۱۳۸۶؛ شجاعی زند، شریعتی مزینانی و حبیب‌زاده خطبه سرا ۱۳۸۵) و گروهی دیگر به صورت تجربی مدل عملیاتی نهایی خود را اصلاح یا از ابتدا طراحی می‌کنند (امیدیان، دهقانی و خواجه‌حسن‌زاده‌دزفولی ۱۳۹۶؛ خدایاری فرد و همکاران ۱۳۸۹؛ خدایاری فرد و همکاران ۱۳۸۷).

در بسیاری از پیمایش‌های ملی انجام شده مولفه‌هایی نیز از دینداری مورد سنجش قرار می‌گیرد. به عنوان مثال در موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها که در سال ۹۴ برگزار شده است، سنجه‌هایی مانند میزان تقید به نماز، میزان همراهی دین با سیاست و تقلید در احکام شرعی مورد سنجش قرار گرفته‌اند، اما تعداد پیمایش‌هایی که نمونه‌ای که تمام جمعیت بالای ۱۸ یا ۱۵ سال شهری و روستایی کشور را نمایندگی کند و به صورت تخصصی به مطالعه‌ی مولفه‌ها و معرفه‌های مختلف دینداری بپردازد، و گزارش نهایی آن به چاپ رسیده باشد، بسیار کم است. مطالعات دانشگاهی درباره رابطه بین ابعاد دینداری و رفتارها یا نگرش‌های اجتماعی و سیاسی شهروندان هم معمولاً بر روی جامعه آماری ملی انجام نشده است و مع‌الاسف معمولاً نمونه‌گیری هم تصادفی نیست.

در یازده سال گذشته، در مجموعه‌ی گزارش‌های چاپ شده، دو پیمایش ملی دینداری توسط سازمان تبلیغات اسلامی انجام گرفته است. مورد اول که گسترده‌تر از مورد دوم است (فرجی ۱۳۹۵؛ کاظمی ۱۳۸۹) ابتدا با نمونه‌ای ۱۸ هزار نفری و ملی در سال ۸۹ اجرا شده و پس از آن در سال ۹۵ با پرسشنامه‌ای مشابه برای نمونه‌ای ملی تکرار گردید؛ شیوه‌ی اجرای این پیمایش میدانی و با مراجعه به در منازل بوده است.

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش حاصل دو پیمایش ملی به سفارش سازمان تبلیغات اسلامی است. یکی از این دو پیمایشی است که در مردادماه سال ۱۳۹۸ انجام شده است که هرچند سوالات مربوط به دینداری پراکنده هستند و لزوماً بر اساس یک مدل مشخص تدوین نشده‌اند، مشتمل بر سوالاتی است که برای پژوهش حاضر مورد استفاده است. پیمایش دیگر در بهار ۹۹ و با نمونه‌ای دوهزار نفری و ملی اجرا شد. در این پیمایش نمونه‌ای حدوداً ۱۰۰۰ نفری در هفته پیش از شروع ماه مبارک رمضان و نمونه حدوداً ۱۰۰۰ نفری دیگری پس از اتمام ماه مبارک رمضان مورد سنجش قرار گرفته است. این پیمایش در مقایسه با پیمایش کاظمی، هرچند دارای جزئیاتی متفاوت است، اما از مدل مفهومی مشابهی برای دینداری استفاده کرده و هر دو، شش بعد اعتقادات، ترک محرمات، انجام واجبات، انجام مستحبات، احساسات دینی و مناسک جمعی را مورد سنجش قرار داده‌اند. از این پس برای سهولت از این پیمایش با عنوان پیمایش ۲ یاد می‌شود.

جدول ۱ - پیمایش‌های مورد استفاده در این پژوهش

شماره	زمان	مجری	سفارش دهنده	جامعه آماری	اندازه نمونه
۱	مرداد ۹۸	مرکز پژوهش‌های افکار عمومی و تحولات اجتماعی دانشگاه تهران	موسسه دیده گستر فرهنگ بینا	شهروندان بالای ۱۸ سال ایران	۱۰۱۶
۲	فروردین و خرداد ۹۹	شرکت پژوهشگران خبره پارس	موسسه دیده گستر فرهنگ بینا	شهروندان بالای ۱۸ سال ایران	۲۰۱۱

ب. ارتباط دینداری با نگرش‌های سیاسی

رابطه دین‌داری با مشارکت، ذائقه و نگرش‌های سیاسی در کشورها، فرهنگ‌ها و ادیان مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است (Cohen et al. 2008؛ Kim 2006؛ Shupe 1977؛ Sandor and Popescu 2008). این مطالعات جنبه‌های مختلف دینداری مانند تعلق دینی، اعتقادات دینی و رفتارهای دینی را با جنبه‌های مختلف نگرش و رفتار سیاسی بررسی کرده‌اند (Grzymala-Busse 2012). تمرکز مقاله حاضر روی رابطه‌ی مسلمانی به عنوان نوع خاصی از دین‌داری،

با نگرش‌های سیاسی است. تعداد پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی ارتباط اسلام با نگرش‌های سیاسی بخش کوچکی از ادبیات ارتباط دینداری با نگرش‌های سیاسی را تشکیل می‌دهد.

طیفی از این پژوهش‌ها به ارتباط مسلمانی (دین‌داری در مسلمانان) با حمایت از دموکراسی پرداخته‌اند. تسلر (Tessler 2010) هفت کشور عرب‌زبان مسلمان، لبنان، مراکش، فلسطین، الجزیره، اردن، کویت و یمن را براساس پیمایش‌های مشترکی که در این کشورها ذیل پروژه عرب بارومتر انجام شده، مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌ی اصلی تسلر این بود که هرچند مسلمانی با اسلام سیاسی به معنای موافقت با اسلامی بودن حکومت همبستگی قوی و مثبت دارد، اما اسلام سیاسی رابطه‌ی معناداری با حمایت از دموکراسی ندارد. به طور مشخص تسلر نشان داده است که نیمی از کسانی که اسلام سیاسی را قبول دارند، از دموکراسی حمایت می‌کنند و نیم دیگر با دموکراسی مخالف‌اند. وی نتیجه گرفته بود که در این هفت کشور عربی، دعوا بین حکومت اسلامی و دموکراسی نیست، بلکه دعوای اصلی بین حکومت اسلامی دموکرات و دموکراسی غیر اسلامی و سکولار است. بی‌ارتباطی مسلمانی و نگرش به دموکراسی در کشورهای عربی در مطالعات پیشین تسلر نیز گزارش شده است (Tessler 2002, 2003).

در مطالعه‌ای دیگر رز (Rose 2002) نشان داده است که در کشورهای قزاقستان و قرقیزستان که به کشورهای مسلمان زیادی قرابت جغرافیایی دارند، حمایت از دموکراسی در مسلمانان فرق معناداری با این حمایت در غیرمسلمان‌ها ندارد. تزجور و همکاران (Tezcür et al. 2012) براساس داده‌های موج پنجم پیمایش ارزش‌های جهان که در سال ۱۳۸۴ انجام گرفته است و همین‌طور براساس پیمایشی که خودشان در سال ۱۳۸۷ در تهران انجام داده‌اند، رابطه‌ی مسلمانی و حمایت از دموکراسی را در تهران مورد مطالعه قرار داده‌اند.

سایز نمونه پیمایشی که در تهران انجام داده‌اند ۵۸۰ نفر بوده است و جامعه هدف مطالعه افراد بالای ۱۵ سال ساکن شهر تهران بوده است. یافته‌ی اصلی این پژوهش براساس داده‌های پیمایشی که در تهران برگزار کرده‌اند، این است

که مسلمانی ارتباط قوی و منفی با حمایت از دموکراسی دارد. بیشتر بودن حمایت از دموکراسی در جوان‌های ساکن تهران و به خصوص در خانم‌های جوان ساکن تهران نیز از یافته‌های دیگر این پژوهش بوده است. این مطالعه یکی از معدود مطالعاتی است که مسلمانی را در مردم ایران به عنوان یک متغیر توصیف کننده مورد مطالعه قرار داده است.

در مطالعه‌ای دیگر، تزجور و آزاد ارمکی (Tezcür and Azadarmaki 2008) با انجام پیمایشی در سال ۱۳۸۲ در تهران به مطالعه رابطه مسلمانی مردم تهران با حکومت براساس اسلام پرداخته‌اند. جامعه‌ی هدف این پیمایش افراد بالای ۱۵ سال ساکن تهران و اندازه‌ی نمونه‌ی آن ۴۱۲ نفر بوده است. یافته اصلی این پژوهش این است که مسلمانی رابطه مثبت و قوی با حمایت از اسلامی بودن حکومت دارد. یافته‌ی دیگر این پژوهش این است که وقتی اثر مسلمانی کنترل شود، رضایت فرد از حکومت، حمایتش از اسلامی بودن حکومت را افزایش می‌دهد.

اسلام سیاسی

اهمیت دین به عنوان یکی از عناصر اصلی شکل دهنده به هویت اجتماعی افراد از یک سو و جهان‌بینی افراد از سوی دیگر به مرور باعث شده که پژوهش‌های فراوانی به تدقیق رابطه دین و سیاست پردازد. بر خلاف میانه قرن قبلی میلادی که کم‌وبیش اجماعی حاکی از اهمیتِ روبه‌کاهش دین در ساحات مختلف اجتماعی وجود داشت، امروز پژوهشگران اذعان دارند که دین اهمیتی جدی در تمام این ساحت‌ها دارد (Evans and Northmore-Ball 2017). به یک بیان، دین نه تنها عاملی برای هویت گروهی و فهم مشترک است بلکه «یک جهان‌بینی قدرت‌مند، مجموعه‌ای از اصول هنجاری و ادعاهایی درباره این‌که جهان باید چگونه باشد» را نیز دربر می‌گیرد و طبیعی است که لازم است مطالعات تطبیقی سیاسی دین را جدی‌تر مورد پژوهش قرار دهند؛ به خصوص با نگاه به پویایی حضور دین در سیاست (Grzymala-Busse 2012).

با عنایت به این‌که ایران امروز تنها حکومت مبتنی بر مذهب در

جهان اسلام است و قانون اساسی پس از انقلاب اسلامی با آمیختن مفاهیم مردم‌سالاری و حکومت دینی طرح‌ریزی شده است، روشن است که هرآنچه در باره اهمیت مطالعه دین در عالم سیاست به طور کلی گفته شده، صدچندان درباره ایران معاصر صادق است. در این پژوهش تلاش می‌شود تعریفی عملیاتی از اسلام سیاسی ارائه شود و قدرت توصیفی این مفهوم نشان داده شود. چون ایدئولوژی سیاسی ممکن است معانی مختلفی را افاده کند، لازم است ابتدا مراد از این مفهوم مشخص شود. در اینجا منظور، ایدئولوژی در سطح فردی (در مقابل آنچه مثلاً می‌تواند ایدئولوژی یک حزب باشد) است. در سطح فردی، ایلیس و استیمسون تفاوت موجود در دو معنای مختلف از ایدئولوژی سیاسی را پررنگ می‌کنند که در امریکای معاصر گاهی در تضاد با یکدیگر قرار دارند. یکی وجه «سمبولیک» ایدئولوژی سیاسی است که برجسته‌کننده هویت فردی و تعلق گروهی افراد است و دیگری وجه «عملیاتی» ایدئولوژی سیاسی است که بیانگر نوعی تجمیع ترجیحات سیاسی در سطحی انتزاعی است، به گونه‌ای که مثلاً به جای این که بیانگر نظر فرد نسبت به خوب یا بد بودن اختصاص بودجه برای یک زمینه مشخص (مثلاً بهداشت، یا دفاع، یا آموزش و پرورش) باشد، بیانگر نظر فرد، به طور کلی، درباره مفید یا مضر بودن افزایش بودجه دولت است (Ellis and Stimson 2009). این معنای عملیاتی از ایدئولوژی سیاسی همان معنایی است که کانورس در مقاله اثرگذار خود به آن پرداخته است و در این نوشته هم مورد استفاده است: مجموعه‌ای منسجم و نسبتاً پایدار از ایده‌ها درباره این که جامعه چگونه باید باشد (Converse 2006).

آنچه می‌توان ایدئولوژی سیاسی منبعث از دین در نظر گرفت به فراخور دین و اقتضائات تاریخی و اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد. در ایران معاصر (و چه بسا در چند قرن اخیر)، امکان حکومت بر اساس اسلام مهم‌ترین وجه ایدئولوژی سیاسی نشأت‌گرفته از مذهب شیعه اثنی‌عشری است، به گونه‌ای که در اولین انتخابات پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی روی برگه‌های رأی قرار گرفت و قول شهید مدرس که

«سیاست ما عین دیانت ماست»، از اساسی‌ترین شعارهای حکومت نوپای انقلابی شد. سازه‌ای که در این پژوهش براین اساس معرفی می‌شود اسلام سیاسی نامیده می‌شود. سازه‌هایی شبیه به این سازه در پژوهش‌های پیشین با عناوین دیگری مانند «حمایت از حاکمیت اسلامی» نیز معرفی شده است.

منظور از اسلام سیاسی تمایل یا اعتقاد فرد به این است که کلیات و جزئیات حکومت کشورش بر اساس دستورات و آموزه‌های اسلامی تنظیم شود. می‌توان تصور کرد که برای این که یک فرد به درجه بالایی از اسلام سیاسی معتقد باشد، باید اولاً فردی دین‌دار باشد و، ثانیاً، معتقد به این باشد که دین اسلام در امور مربوط به حکومت واجد ارزش‌ها و دستورهای مشخص است. هرچند همبسته‌های متعدد و متفاوتی برای این سازه می‌توان برشمرد، به نظر می‌رسد رجوع به انتزاعی‌ترین ظهورات این مفهوم راه بهتری برای سنجش آن باشد. به این منظور، برای ساخت متغیر نهان اسلام سیاسی، پیشنهاد می‌شود که از ابعاد بنیادین حضور اسلام در سیاست، لزوم توجه به قوانین اسلام در تقنین و در اجرای قوانین، استفاده شود و نه از مصادیق ظهور دین در اجتماع (مثلاً اجرای سیاست خارجی بر اساس اسلام یا مثلاً بانکداری اسلامی یا اجبار حجاب اسلامی).

این تصمیم دو دلیل دارد: اولاً، رجوع به انتزاعی‌ترین لایه‌ها با تعریفی که پیش‌تر از ایدئولوژی سیاسی عملیاتی ارائه شد سازگارتر است، و ثانیاً، هرچه از امور انتزاعی فاصله بگیریم، مداخله مفاهیم دیگر می‌تواند باعث آسیب به روایی سازه مورد نظر شود. به عنوان مثال، یک نفر می‌تواند شدیداً به اسلام سیاسی معتقد باشد، اما نسبت به سیاست‌های اجتماعی رایج در کشور منتقد باشد یا از آنچه به نام بانکداری اسلامی در کشور مرسوم شده است منجر باشد. طبیعتاً مخلوط کردن سطح انتزاعی‌تر با این مصادیق می‌تواند باعث کاهش روایی سازه اسلام سیاسی شود.

درجهانی ایده‌آل، طراحی پرسش‌نامه‌ای با هدف سنجش اسلام سیاسی

ایده‌ای بسیار جذاب است. ایده‌آل این است که چندین گویه به صورت نامزد برای دسترسی به حاکم مفاهیم انتزاعی مورد نیاز در یک پیمایش ملی در کنار هم قرار گیرند و براساس ویژگی‌های آماری این گویه‌ها، مدل مناسبی برای سنجش اسلام سیاسی استخراج شود. پژوهش حاضر اما بر اساس پیمایش‌های ملی موجود انجام شده است. روشن است که تدقیق تجربی سازه اسلام سیاسی از مهمترین مواردی است که لازم است عندالاستطاعه مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. اما از میان داده‌هایی که دست‌یاب شده است نیز خوشبختانه دو گویه تا حد مناسبی دو جنبه انتزاعی مذکور از سازه اسلام سیاسی را پوشش می‌دهند. یکی ضروری دانستن اسلامی بودن قانون کشور و دیگری ضروری دانستن تصمیم گرفتن مسئولین کشور براساس اسلام:

به نظر شما تا چه میزان لازم و ضروری است که قوانین کشور براساس اصول و مقررات اسلامی تنظیم و تدوین شود؟

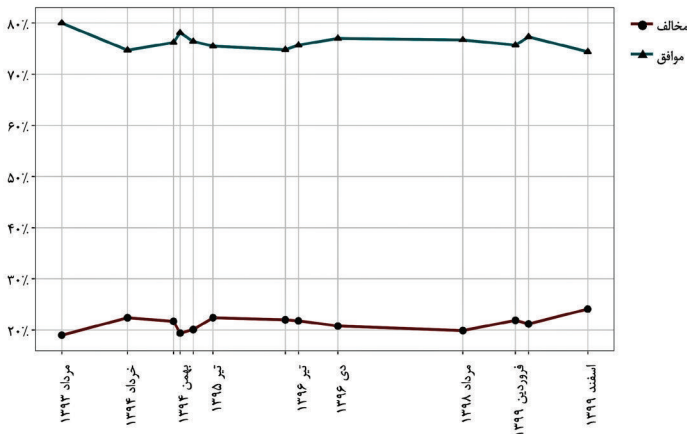
۱) بسیار زیاد (۲) تا حدی (۳) نه چندان (۴) اصلا

به نظر شما مسئولان کشورمان باید در مجموع تا چه میزان تعالیم و آموزه‌های دینی را در تصمیم‌گیری‌های خود دخالت دهند؟

۱) بسیار زیاد (۲) تا حدی (۳) نه چندان (۴) اصلا

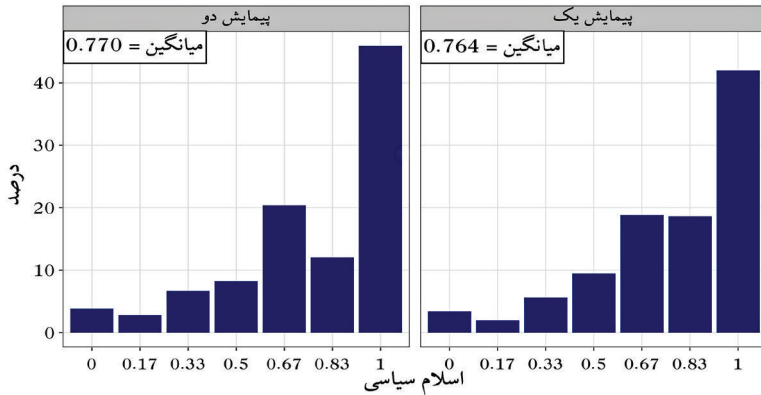
در داده‌های مورد استفاده این پژوهش تنها همین دو گویه متناسب با نیازهای این سازه وجود دارند که هرچند جای بهبود دارند اما به نظر می‌رسد حداقل لازم برای پوشش دادن به سازه اسلام سیاسی را دارند. متغیر اسلام سیاسی از میانگین حسابی دو گویه فوق به دست آمده است. در هر دو پیمایش شماره ۱ و شماره ۲ هر دو سوال فوق پرسیده شده‌اند و نتایج به دست آمده با اختلاف کمی مشابه هم بوده است. مثلاً در پیمایش شماره ۲ در سوال از میزان ضروری دانستن بر اساس اسلام بودن قوانین کشور، ۵۷ درصد مردم گزینه «بسیار زیاد»، ۳۴ درصد مردم گزینه «تا حدی» و ۹ درصد مردم گزینه «اصلا» را انتخاب کرده‌اند. در سوال از میزان ضروری دانستن براساس اسلام تصمیم گرفتن مسئولین، ۴۸ درصد مردم گزینه «بسیار زیاد»، ۳۱ درصد گزینه «تا حدی» و ۲۱ درصد گزینه «اصلا» را انتخاب کرده‌اند.

آلفای کرونباخ ۰/۸۲ نشان‌دهنده پایایی این سازه در یک مقطع زمانی است. علاوه بر این، یکی از ویژگی‌های قابل توجه این دو سوال پایایی آن‌ها در طی زمان است. سوال دوم از این زوج سوال در برخی پرسشنامه‌های دانشگاه مرینند نیز مطرح شده است. براساس مجموع گزارش‌هایی که در سایت دانشگاه مرینند از پیمایش‌های این دانشگاه در ایران وجود دارد و ترکیب آن با سایر پیمایش‌های ملی که این سؤال در آنها پرسیده شده است، نمودار زیر رسم شده است که روند پاسخ به سوال دوم از دو سوال فوق را در طول زمان از مرداد ۹۳ تا اسفند ۹۹ نشان می‌دهد.



نمودار ۱: روند پاسخ به سوال «مسئولان کشورمان باید در مجموع تا چه میزان تعالیم و آموزه‌های دینی را در تصمیم‌گیری‌های خود دخالت دهند» در طول زمان.

نمودار آبی درصد مجموع درصد کسانی است که گزینه «بسیار زیاد» یا «تا حدی» را انتخاب کرده‌اند و نمودار آبی مجموع درصد کسانی است که گزینه «نه چندان» یا «اصلاً» را انتخاب کرده‌اند. می‌توان دید که به رغم افت و خیزهای متعددی که فضای افکار عمومی در کشور در این بازه بیش از شش ساله تجربه کرده است، پاسخ به این سؤال تقریباً پایدار بوده است. نمودار زیر نشان‌دهنده توزیع سازه اسلام سیاسی در داده‌های پیمایش‌های ۱ و ۲ است.



نمودار ۲: توزیع سازه «اسلام سیاسی» در دو پیمایش مورد استفاده

همان‌طور که اشاره شد، بر خلاف پژوهش‌های پیشین، در مقاله حاضر اسلام سیاسی نه تنها به عنوان یک متغیر وابسته بلکه به عنوان یک متغیر مستقل پراهمیت نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. این مطالعه با استفاده از مجموعه‌ای از نگرش‌های سیاسی (به عنوان متغیرهای وابسته) انجام شده است. مفهوم نگرش^۱ در علوم سیاسی از ادبیات روان‌شناسی اجتماعی وام گرفته شده است که معمولاً به صورت درجه علاقه یا تنفر از یک فرد، شیء، محل، ایده، رخداد و امثال آن تعریف می‌شود. گرایش‌های حزبی و ایدئولوژیک از مهمترین متغیرهایی هستند که نگرش‌های سیاسی را شکل می‌دهند (Hutchings and Jefferson 2017).

در کشورهای غربی و در نظام‌های مردم‌سالار با سابقه طولانی‌تر، معمولاً احزاب ایدئولوژی مشخصی دارند. واضح‌ترین بعد همان چپ/راست یا لیبرال/محافظه‌کار است که تقریباً در سراسر جهان مورد استفاده است. البته این که مردم به دلیل تعلقات حزبی به یک نامزد یا یک سیاست رای می‌دهند یا به دلیل تعلقات ایدئولوژیک موضوعی است که در بعضی از کشورها سابقه‌ای طولانی از پژوهش دارد و پاسخ به آن در بسیاری از جوامع غربی به نظر می‌رسد این باشد که عموم مردم به امور سیاسی به طور ایدئولوژیک نمی‌اندیشند و هرچند در سطح کلان نگرش‌ها ممکن است پایدار باشند، در سطح فردی معمولاً سطح بالایی از تغییر و تلون در نگرش‌های سیاسی نسبت به مسائل

1. attitude

سیاستی در طول زمان مشاهده می‌شود (Converse 2006; Kinder 2006)؛ با این وجود، در کشورهایی که نظام مردم‌سالار از قدمت زیادی برخوردار نیست، مشاهده می‌شود که تعلقات حزبی هم پایداری زیادی ندارند (Jou 2011; Hsiao, Cheng, and Achen 2017).

در کشور ما، هرچند اهالی سیاست ادعاهای بسیاری نسبت به این که مردم ایران چگونه می‌اندیشند مطرح می‌کنند، مطالعات ملی درباره ایدئولوژی سیاسی مردم و تعلقات حزبی مردم تقریباً نایاب هستند و آن میزان مطالعاتی که انجام شده نیز معمولاً یا در مورد یک مسأله خاص و در جامعه آماری ای محدود بوده، یا اینکه صرفاً به بیان توزیع کناره‌ای پرداخته‌است. با این وجود، با توجه به توصیفاتی که درباره سازه اسلام سیاسی به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی مردم بیان شد، می‌توان انتظار داشت که این متغیر با طیف وسیعی از نگرش‌های سیاسی ارتباط تنگاتنگ داشته باشد. به این ترتیب دو فرضیه اصلی، در ادامه می‌آیند. پیمایش‌های مورد استفاده در این پژوهش مشتمل بر چند نگرش سیاسی هستند که آزمودن فرضیه‌های زیر ممکن می‌کند:

فرضیه ۱: شهروندان دارای درجه بالاتری از دینداری اعتقاد پررنگ‌تری به اسلام سیاسی دارند.

فرضیه ۲: شهروندان دارای درجه بالاتری از اعتقاد به اسلام سیاسی در نگرش‌های سیاسی موضعی نزدیک‌تر به موضع رسمی جمهوری اسلامی دارند.

فرضیه ۳: اثر اسلام سیاسی بر نگرش‌های سیاسی شهروندان قوی‌تر از اثر تعلق حزبی بر نگرش‌های سیاسی است.

دو فرضیه اول نتیجه مستقیم بحث پیشین است. فرضیه سوم بر این درک مبتنی شده است که احزاب در ایران امروز هویت برجسته‌ای در میان شهروندان ندارند. عموم شهروندان از ذکر نام کامل یک حزب به طور درست عاجز هستند، چه رسد به این که تمایل و تعلق به این احزاب داشته باشند.

نزدیک‌ترین چیزی که به تعلق خاطر حزبی در دو دهه گذشته وجود دارد، دو جبهه سیاسی متکثر با برچسب عام اصلاح طلب و اصول‌گرا هستند؛ اما همین برچسب عام هم در میان عموم مردم هوادار جدی ندارد، به طوری که حدوداً نیمی از مردم فاقد حتی گرایش ضعیف به یکی از این دو جبهه هستند. نمودار زیر بیانگر توزیع تعلقات حزبی در سطح ملی است که بر اساس دو پرسش که در پیمایش یک پرسیده شده بدست آمده است. نحوه پرسش به این صورت بوده که از شهروندان خواسته شده بگویند بیشتر خود را اصلاح طلب یا اصولگرا می‌دانند و از میان کسانی که «هیچ کدام» پاسخ داده‌اند، مجدداً خواسته شده بگویند به کدام یک را بیشتر می‌پسندند.



نمودار ۳: توزیع گرایش حزبی در پیمایش اول

یافته‌های تجربی

الف. رابطه دینداری با اسلام سیاسی

برای بررسی رابطه دینداری و اسلام سیاسی از داده‌های پیمایش دوم استفاده شده است. در این پیمایش مدل مورد استفاده برای مطالعه دینداری الگوی سنجش ملی دینداری کاظمی (۱۳۸۹) است. آنها دینداری را شامل ابعاد اعتقادات دینی، تجربه‌های دینی، تعلقات دینی، انجام واجبات دینی، ترک محرمات دینی، انجام مستحبات دینی و انجام مناسک جمعی (که آن‌ها از آن با عنوان «مستحبات جمعی» یاد کرده‌اند) دانسته‌اند. مولفه‌های ذیل هر یک از

این شش بُعد دینداری در جدول زیر منعکس شده و آلفای کرونباخ مربوط به هر بعد ارائه شده است. لازم به ذکر است که در مدل مختار این پژوهش برای سنجش دینداری، اسلام سیاسی جزئی از دینداری یا یکی از ابعاد آن نیست. بلکه سازه‌ای است که تعریف و پیشنهاد شده و ارتباط آن با ابعاد شش‌گانه دینداری در مدل مختار پژوهش، مورد مطالعه قرار گرفته است.

جدول ۲ - مولفه‌های هر یک از شش بعد دینداری در مدل کاظمی و فرجی

آلفای کرونباخ	گویه‌ها	بعد دینداری
۰/۷۲	باور وجود و ربوبیت خدا، باور معاد و حساب، باور عدل الهی، باور اعجاز و تحریف نشدسه بودن قرآن، باور مهدویت، باور عصمت و برگزیده بودن امامان علیهم السلام، باور تحریف نشده بودن اسلام، باور قدیمی نشدن اسلام و کاربرد داشتن در دنیای امروز	اعتقادات
۰/۷۸	احساس حضور خدا، تجربه حالت معنوی خاص، علاقه داشتن به خدا، خود را مورد علاقه خدا دانستن، ممنون خدا بودن، گله‌مند از خدا بودن	ایمانیات (احساسات دینی)
۰/۸۲	نماز، روزه، خمس، فطریه	واجبات دینی
۰/۷	حجاب، ترک مهمانی مختلط، ترک مهمانی‌ای که در آن شراب هست، تقید در دست ندادن با نامحرم، صداقت، دوری از ربا، مخالفت با سقط جنین	ترک محرمات
۰/۷۱	تعقیبات نمازهای روزانه، نماز شب، دعا، نذر، صدقه، قرآن خواندن، استغفار	مستحبات فردی
۰/۷	شرکت در جلسه دعا، شرکت در جلسه قرآن خوانی، شرکت در مراسم ماه محرم، خواندن نمازهای روزانه در مسجد، شرکت در مراسم شب قدر، سفر زیارتی به مشهد، سفر زیارتی به کربلا و نجف، عمره مفرده، حج واجب	مستحبات جمعی

همان‌طور که گفته شد فهرست نهایی گویه‌ها و معرف‌های دین‌داری حاصل از یک مدل مفهومی برای دین‌داری توان پوشش دادن ابعاد سایر مدل‌ها را نیز می‌تواند داشته باشد. به عنوان مثال، مجموعه گویه‌های حاصل از این مدل، از مدل خدایاری ابعاد باورهای دینی، عواطف دینی مثبت، عواطف دینی منفی و عبادات را پوشش داده و ابعاد اخلاق و شناخت دینی را پوشش نمی‌دهد. از مدل شجاعی زند (شجاعی زند ۱۳۸۴)، ابعاد اعتقادات، ایمانیات، عبادیات و شریعت را پوشش داده و بعد اخلاقیات را پوشش نمی‌دهد. از مدل طالبان (طالبان ۱۳۸۸)، ابعاد اعتقادات اصلی و فرعی، تجربه‌ی دینی، علقه دینی، هویت دینی، شریعت فردی و جمعی و عبادات فردی و جمعی را پوشش داده و اخلاقیات را پوشش نمی‌دهد. نهایتاً از مدل سراج‌زاده (سراج‌زاده و پویافر ۱۳۸۸) تمام ابعاد یعنی ابعاد اعتقادی، مناسک فردی، مناسک جمعی، تجربی و پیامدی را پوشش می‌دهد. همان‌طور که دیده می‌شود، غیر از اخلاقیات، سایر معرف‌های دین‌داری موجود در مدل‌های سنجش دینداری در فهرست نهایی گویه‌های مورد سنجش در پیمایش دوم پوشش داده شده است.^۱

این ابعاد به صورت مجزا استخراج شده‌اند به این شکل که هر کدام از ابعاد، عامل مشترک میان گویه‌های تشکیل دهنده آن بعد است. از همبستگی بالای بین این ابعاد، آن‌طور که در ادامه نشان داده می‌شود، مشخص است که امکان کاهش تعداد این ابعاد در یک مدل تحلیل عاملی که تمام گویه‌ها را با هم تحلیل کند وجود دارد ولی برای مطابقت با پژوهش کاظمی و فرجی از یک سو و معنادار بودن نام‌گذاری انجام شده از سوی دیگر، این شش بعد به صورت مجزا ساخته شده‌اند.^۲ همبستگی پیرسون این شش بعد با یکدیگر و با سازه اسلام سیاسی در جدول زیر مشاهده می‌شود. همه ابعاد دارای همبستگی مثبت هستند. بیشترین همبستگی با اسلام سیاسی را «محرمات» دارد.

۱. احتمالاً علت گنجانده نشدن اخلاقیات در پیمایش ۱ این است که اخلاقیات از نکتز بالایی برخوردار بوده و این امر باعث شده تا برخی پژوهشگران مانند شجاعی زند، سنجش آنها از طریق پرسشنامه را ممکن و قابل قبول ندانند. البته به نظر می‌رسد سنجش اخلاقیات که رویکردهای کلی رفتاری فرد را مورد سنجش قرار می‌دهد، مانند صداقت، خوش اخلاقی، صادق‌الوعد بودن و ...، در بسیاری از سنجش‌های معتبر دنیا در مباحث شخصیت یا مباحث مرتبط با ارزش‌ها مورد سنجش قرار گرفته و این سنجش مورد تأیید نظری و تجربی باشد.

۲. در طول مقاله همه جا در تحلیل عاملی از تکنیک full information maximum likelihood برای تخمین استفاده شده است که تعداد مشاهدات بیشتری بدست دهد، ولی اگر به جای این کار از حذف موردی استفاده شود هم نتایج اساساً مشابهی حاصل می‌شود.

جدول ۳ - همبستگی ابعاد دینداری با اسلام سیاسی

اعتقادات	ایمانیات	واجبات	محرمات	مستحبات	مناسک جمعی
اعتقادات					
ایمانیات	۰/۴۶				
واجبات	۰/۴۷	۰/۵۱			
محرمات	۰/۴۶	۰/۴۹	۰/۵۹		
مستحبات	۰/۴۹	۰/۵۹	۰/۵۵	۰/۵۱	
مناسک جمعی	۰/۳۸	۰/۳۴	۰/۵	۰/۴۱	۰/۴۲
اسلام سیاسی	۰/۴۹	۰/۴۷	۰/۵۱	۰/۵۶	۰/۳۷

در ادامه، به منظور بررسی دقیق‌تر ارتباط اسلام سیاسی با ابعاد دین‌داری، زمانی که این ابعاد با یکدیگر در یک مدل همزمان حضور داشته باشند مطالعه می‌شود. در مدل آماری مورد استفاده، اسلام سیاسی متغیر وابسته است و شش بعد دینداری که در بالا ذکر شد به همراه بعضی متغیرهای دموگرافیک (سن، جنس، درآمد خانوار بر اساس مقیاس ۱ تا ۱۰، میزان تحصیلات بر اساس مقیاس ۱ تا ۹، وضعیت تاهل و وضعیت اشتغال) متغیرهای توصیفگر هستند. به دلیل اینکه اسلام سیاسی تنها از دو گویه که با مقیاس لیکرت هستند ساخته شده است و جمعاً فقط هفت مقدار مختلف می‌تواند اتخاذ کند، برای تحلیل این سازه از یک مدل لجستیک ترتیبی استفاده شده است. نتیجه نشان می‌دهد که تمام ابعاد دینداری (حتی وقتی تواماً در مدل حضور دارند) در سطح ۵ درصد از لحاظ آماری معنا دار هستند.

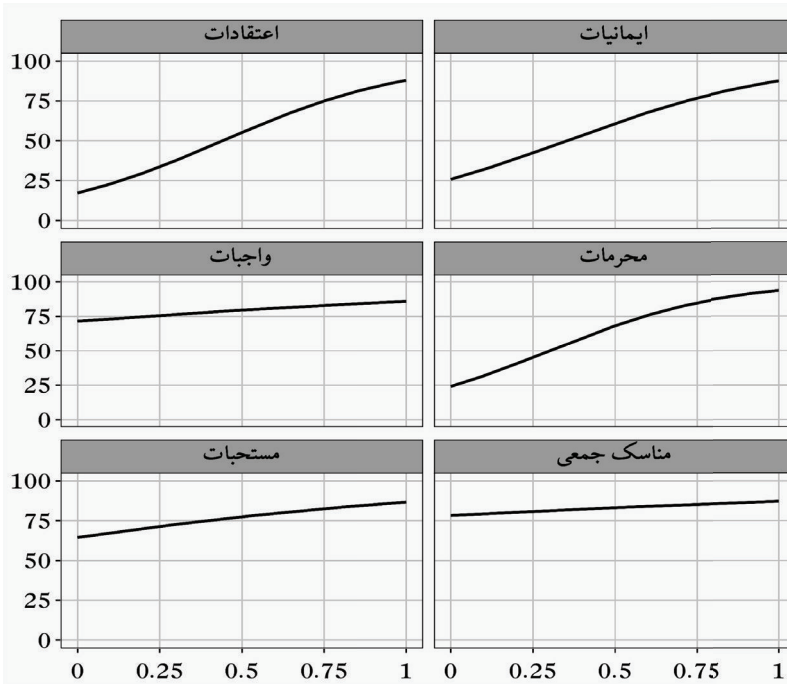
به جای این که نتیجه به صورت یک جدول از ضرایب رگرسیون غیر خطی منعکس شود، این نتایج به صورت ملموس و بر روی نمودارهای زیر ارائه شده است. تمام متغیرهای عددی در سطح میانگین مشاهده شده و متغیرهای اسمی (دسته‌ای) در سطح پربسامدترین مقدار موجود در

پیمایش دوم ثابت فرض شده‌اند؛ هر بار فقط یکی از ابعاد دینداری در طول دامنه‌اش تغییر داده شده است و تغییرات متناظر با آن در متغیر اسلام سیاسی (به عنوان متغیر وابسته) به تصویر کشیده شده است. در طول این مقاله، همه متغیرها (هم ابعاد دینداری و هم اسلام سیاسی) بر روی مقیاس صفر تا یک تنظیم و ارائه شده‌اند. علت این کار در نمودارهای زیر این است که برای این که تغییرات دین‌داری محدود به تغییرات ناشی از تغییر اسلام سیاسی شود، سایر متغیرها ثابت نگاه داشته شده‌اند و تنها متغیر اسلام سیاسی تغییر می‌کند. مقادیر مورد استفاده برای تولید نمودارها به شرح ذیل هستند:

جدول ۴- شهروند میانگین برای شبیه‌سازی با استفاده از مدل آماری

متغیر	مقدار
تاهل	مثال
اشتغال	بیکار
جنس	زن
تحصیلات	۴/۸۴ (نزدیک دیپلم)
درآمد	۴/۰۶
سن	۴۱/۸ (بین دو تا دو و نیم میلیون تومان)
ایمانیات	۰/۸۹
واجبات	۰/۷۸
محرمات	۰/۷۲
اعتقادات	۰/۸۹
مناسک جمعی	۰/۵۲
مستحبات	۰/۷۹

نمودارهای زیر میزان پیش‌بینی شده احتمال وقوع مقدار زیاد برای متغیر اسلام سیاسی (بزرگتر یا مساوی با دو سوم) متناظر با تغییر ابعاد مختلف دینداری هستند. تمام ابعاد ارتباط وثیقی با اسلام سیاسی دارند ولی زمانی که در مدل لجستیک ترتیبی همزمان با هم حضور دارند، بعضی از آنها کم‌اثرتر از دیگر ابعاد می‌نمایند. مثلاً همان‌طور که در شکل دیده می‌شود وقتی اعتقادات از صفر تا یک تغییر می‌کند، احتمال



نمودار ۴: تغییرات احتمال رخداد (اسلام سیاسی => ۰/۶۶) متناظر با تغییر هر یک از ابعاد

دینداری و ثابت ماندن سایر ابعاد

مقدار زیاد برای اسلام سیاسی از ۱۷ درصد تا ۸۸ درصد تغییر می‌کند. در مقابل، به دلیل همبستگی زیاد دو بعد محرمات و واجبات، زمانی که همه ابعاد حضور دارند، تغییر متغیر واجبات به تنهایی تأثیر چندان زیادی در تغییر اسلام سیاسی ندارد و احتمال مقدار زیاد برای اسلام سیاسی از تنها ۷۲ درصد تا ۸۶ درصد بالا می‌رود.

ب. رابطه اسلام سیاسی با نگرش‌های سیاسی

در این بخش به مطالعه‌ی توان توصیفی سازه اسلام سیاسی در توصیف برخی نگرش‌های سیاسی مردم کشور پرداخته می‌شود. تک‌تک این نگرش‌ها در مدلی تحلیل شده‌اند که متغیر وابسته در آن نگرش مورد نظر است؛ متغیر مستقل اصلی اسلام سیاسی است؛ و متغیرهای دموگرافیک مرسوم (سن، جنس، درآمد خانوار، وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل) هم به عنوان کنترل در نظر گرفته شده‌اند. نگرش‌های مورد استفاده به شرح زیر هستند:

- (۱) حل مشکلات با آمریکا^۱ (پیمایش یک)
- (۲) ارزیابی از پیشرفت ایران^۲ (پیمایش یک)
- (۳) آزادی ماهواره^۳ (پیمایش دو)
- (۴) رضایت از انقلاب اسلامی^۴ (پیمایش دو)
- (۵) به رسمیت شناختن اسرائیل^۵ (پیمایش دو)
- (۶) حمایت از اسد در سوریه^۶ (پیمایش دو)

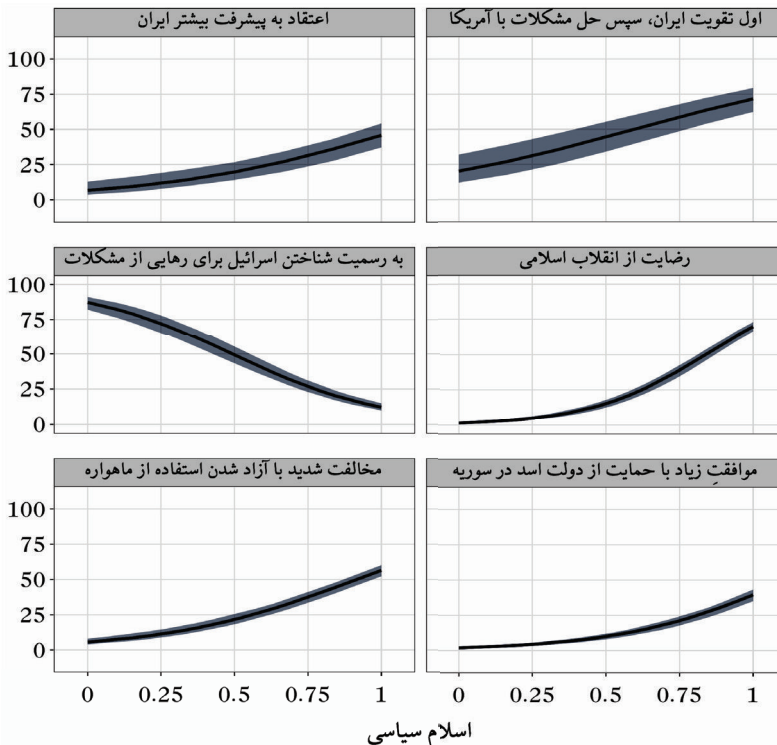
به جای اینکه جداول مربوط به تخمین این مدلها در مقاله منعکس شود، نتایج به صورت ملموس و روی نمودار ارائه می‌شوند. مدل مورد استفاده برای موارد یک (حل مشکلات با آمریکا) و پنج (برسمیت شناختن اسرائیل) مدل رگرسیون لجستیک است، چون نگرش‌های مربوط به صورت بله یا خیر پرسیده شده‌اند؛ مدل مورد استفاده برای سایر موارد لجستیک ترتیبی است، چون نگرش‌های دو (پیشرفت ایران)، سه (آزادی ماهواره)، چهار (رضایت از انقلاب) و شش (حمایت از بشار اسد) به صورت مقیاس لیکرت پرسیده شده‌اند.

برای تولید هر یک از نمودارهای زیر، ابتدا مدل آماری مربوط تخمین زده شده است، به گونه‌ای که متغیر وابسته نگرش مورد سؤال و متغیرهای توصیفگر، اسلام سیاسی در کنار متغیرهای دموگرافیک است. در تمام این رگرسیونها این متغیر در سطح بالایی از معناداری آماری قرار دارد به طوری که در تمام موارد

۱. برخی معتقدند که کشورمان برای این که بتواند مشکلات خود با آمریکا را حل کند، اول باید به کشوری قدرتمند تبدیل شود. نظر شما به کدام یک از این دو دیدگاه نزدیکتر است؟
۲. به نظر شما در طول ۲۰ سال اخیر، آیا کشورمان، در مجموع بیشتر از دیگر کشورهای منطقه پیشرفت کرده، کمتر از آنها پیشرفت کرده و یا رشد و پیشرفت کشورمان تقریباً مانند دیگر کشورهای منطقه بوده است؟
۳. شما با اینکه «استفاده از ماهواره در کشورمان آزاد شود» در مجموع تا چه میزان موافق یا مخالف می‌باشید؟
۴. برخی از اینکه مردم ایران در سال ۱۳۵۷ علیه نظام شاهنشاهی انقلاب کردند راضی و خشنود هستند. در مقابل، برخی دیگر از اینکه مردم علیه نظام شاهنشاهی انقلاب کردند ناراضب بوده و خشنود نمی‌باشند. احساس شما به کدامیک از این دو گروه نزدیکتر است؟
۵. برخی می‌گویند که ریشه و دلیل اصلی تحریم‌ها علیه کشورمان مقابله ایران با اسرائیل و به رسمیت شناختن اسرائیل توسط ایران است و به همین دلیل بهتر است که ایران مخالفت و دشمنی خود با اسرائیل را کنار گذاشته و اسرائیل را به رسمیت بشناسد. در مقابل، برخی می‌گویند که ایران باید مخالفت و دشمنی خود با اسرائیل را ادامه دهد و اسرائیل را به رسمیت نشناسد، حتی اگر این موضوع باعث شود که تحریم‌ها و فشارهای موجود علیه کشورمان ادامه پیدا کند. نظر شما به کدام گزینه نزدیکتر است؟
۶. شما «با حمایت ایران از دولت بشار اسد در سوریه» در مجموع تا چه میزان موافق و یا مخالفید؟

۱۶- $p < 1e - 16$ سپس، در حالی که متغیرهای عددی در سطح میانگین مشاهده شده و متغیرهای اسمی (دسته‌ای) در سطح پربسامدترین مقدار موجود در پیمایش متناظر ثابت فرض شده‌اند، «اسلام سیاسی» به عنوان متغیر مستقل اصلی از مقدار حداقل (صفر) تا حداکثر (یک) تغییر داده شده است و تغییر متناظر با آن در احتمال متغیر وابسته (نگرش مورد سؤال) به تصویر کشیده شده است.

برای مواردی که پاسخ بله یا خیر بوده، نمودار برای احتمال پاسخ بله ترسیم شده و برای مواردی که پاسخ لیکرت بوده، نمودار برای بیشترین مقدار (خیلی موافق یا بسیار زیاد) ترسیم شده است. همچنین برای بدست دادن حاشیه خطا، بازه اطمینان ۹۵ درصدی احتمال تخمینی نیز به صورت سایه در اطراف تخمین اصلی نمایش داده شده است.



نمودار ۵: تغییرات در احتمال مثبت یا خیلی مثبت در هریک از نگرش‌ها متناظر با تغییر

متغیر اسلام سیاسی، با فرض ثابت ماندن سایر متغیرها

روشن است که ارتباط بین اسلام سیاسی با تمام نگرش‌های مورد مطالعه بسیار پررنگ است، به گونه‌ای که فارغ از زمینه مورد پرسش (مباحث کلان سیاسی داخلی، مباحث جزئی سیاست داخلی، جهت‌گیری سیاست خارجی، ...) اسلام سیاسی قدرت توصیف بسیار بزرگی دارد که گویی یکی از ابعاد اساسی و وجوه تمایز اصلی تفاوت نگرش شهروندان در ایران معاصر است.

ج. اسلام سیاسی در کنار دینداری

سوالی که در ادامه مطالعه نگرش‌های سیاسی در قسمت قبل به وجود می‌آید این است که آیا سازه اسلام سیاسی توان توصیفی‌ای اضافه بر آنچه ابعاد دینداری می‌سازد برای توصیف نگرش‌های سیاسی دارد یا خیر. در این بخش تلاش می‌شود به این سوال پاسخ داده شود. این سوال را می‌توان با استفاده از پیمایش دو-که مشتمل بر ابعاد دینداری کاظمی و فرجی است—پاسخ داد. از میان شش نگرش که در قسمت قبل ذکر شد، چهار نگرش بر اساس پیمایش دو بوده که در این قسمت این چهار نگرش مجدداً با این تفاوت تحلیل می‌شوند که این بار شش بعد دینداری کاظمی و فرجی را نیز در مدلها به عنوان متغیرهای مستقل قرار می‌دهیم. از لحاظ مفهومی، با توجه به این که همه مفاهیم به نوعی وابسته به دینداری فرد در مقیاس فردی هستند این آزمون بیش از اندازه سخت‌گیرانه است و حتی اگر اسلام سیاسی سربلند از آن بیرون نیاید بیانگر خدشه‌ای جدی در قدرت این سازه نیست. از لحاظ آماری نیز این آزمون بیش از اندازه سخت‌گیرانه است، چه این که شش بعد دینداری همگی از جهت‌های مختلف (آن گونه که از نمودار سه هویدا است) با اسلام سیاسی همبستگی دارند.

در جدول زیر ضرایب بدست آمده از مدل‌های آماری به همراه خطای استاندارد در تخمین هر ضریب (عدد داخل پرانتز) آمده است. مطابق سنت مرسوم، برای نمایش معناداری آماری از ستاره استفاده شده است و مشاهده می‌شود که حتی زمانی که ابعاد دینداری کاظمی و فرجی هم در مدل موجودند، اسلام سیاسی در سطح بالایی از معناداری آماری قرار دارد. فی الواقع (آنگونه که می‌توان با تقسیم ضرایب بدست آمده بر خطای استاندارد هر ضریب بدست آورد) در تمام موارد مقدار t متناظر با

ضریب اسلام سیاسی بزرگتر از ۷/۴ است که یعنی معناداری آماری در سطح کوچکتر از $1e-13$ حاصل شده است.

برای پرهیز از اطاله کلام ضرایب جدول توضیح داده نمی‌شوند. فقط کافی است اشاره شود که ابعاد دینداری و اسلام سیاسی همگی بر مقیاس صفر تا یک ساخته شده‌اند و از این لحاظ ضرایب مربوط به آنها با یکدیگر قابل مقایسه هستند. حقیقتاً با مشاهده این جدول قدرت توصیف سازه اسلام سیاسی رخ می‌نماید، به خصوص که با بضاعت مزجات و صرفاً با دو گویه (مربوط به تقنین و اجرا بر اساس اسلام) ساخته شده است.

جدول ۵- مدل‌های آماری برای تحلیل نگرش‌های سیاسی وقتی ابعاد دین‌داری نیز به عنوان متغیر مستقل در کنار اسلام سیاسی حضور دارند.

	متغیر وابسته:			
	ماهواره	رضایت از انقلاب	به رسمیت شناختن اسرائیل	حمایت از اسد در سوریه
اسلام سیاسی	۱/۶۲۹*** (۰/۲۲۰)	۳/۶۴۸*** (۰/۲۲۶)	-۲/۴۳۴*** (۰/۲۸۲)	۲/۲۸۲*** (۰/۲۲۶)
مستحبات	۰/۲۴۰** (۰/۱۱۱)	۰/۲۰۳* (۰/۱۱۵)	-۰/۲۰۹ (۰/۱۴۹)	۰/۴۰۱*** (۰/۱۱۲)
مناسک جمعی	۰/۵۸۳*** (۰/۲۱۰)	۰/۱۶۸ (۰/۲۲۶)	-۰/۱۷۱ (۰/۳۰۱)	۰/۵۵۲*** (۰/۲۱۷)
اعتقادات	-۰/۰۰۲ (۰/۰۶۷)	۰/۱۸۶** (۰/۰۷۴)	-۰/۶۶۳*** (۰/۰۹۵)	۰/۲۱۰*** (۰/۰۷۲)
محرمات	۱/۵۲۴*** (۰/۱۶۷)	۱/۵۸۱*** (۰/۱۷۵)	-۱/۳۱۳*** (۰/۲۱۸)	۰/۸۶۲*** (۰/۱۶۸)
واجبات	۰/۱۷۳** (۰/۰۶۸)	۰/۱۲۱* (۰/۰۷۲)	۰/۱۵۵* (۰/۹۱)	۰/۰۱۰ (۰/۰۶۹)
ایمانیات	-۰/۰۹۲ (۰/۱۹۲)	۰/۲۹۸ (۰/۱۹۸)	-۰/۰۲۲ (۰/۲۵۷)	۰/۰۴۶ (۰/۱۹۷)
جنس‌زن	۰/۳۸۸*** (۰/۱۰۶)	-۰/۵۲۷*** (۰/۱۱۳)	۰/۴۰۴*** (۰/۱۵۲)	-۰/۴۷۶*** (۰/۱۰۷)
سن	-۰/۰۳۱*** (۰/۰۰۴)	-۰/۰۰۳ (۰/۰۰۵)	-۰/۰۰۸ (۰/۰۰۶)	۰/۰۰۵ (۰/۰۰۴)
گروه درآمدی	-۰/۰۴۲** (۰/۰۲۱)	۰/۰۳۰ (۰/۰۲۳)	۰/۰۰۲ (۰/۰۳۰)	۰/۰۴۶** (۰/۰۲۱)
تحصیلات	-۰/۱۳۳*** (۰/۰۲۹)	-۰/۰۶۵** (۰/۰۳۱)	-۰/۰۲۰ (۰/۰۴۲)	-۰/۵۰* (۰/۲۹)
شاغل	-۰/۰۱۷ (۰/۱۰۹)	-۰/۲۸۸** (۰/۱۱۷)	۰/۳۴۲** (۰/۱۵۵)	۰/۰۳۲ (۰/۱۱۰)
تاهل: مجرد	—	—	۰/۰۶۵ (۰/۰۶۲)	—
تاهل: طلاق	۰/۰۸۴ (۰/۲۹۲)	۰/۱۳۱ (۰/۲۹۵)	۰/۴۰۴ (۰/۲۶۸)	-۰/۴۵۴ (۰/۲۸۸)
تاهل: فوت همسر	۰/۸۲۵*** (۰/۳۰۷)	-۰/۲۰۵ (۰/۳۰۹)	۰/۹۶۱*** (۰/۳۵۱)	-۰/۶۳۵** (۰/۳۰۸)
تاهل: متاهل	۰/۱۹۴ (۰/۱۳۴)	-۰/۲۱۲ (۰/۱۴۲)		-۰/۱۲۵ (۰/۱۳۷)
مقدار ثابت	—	—	۱۰/۴۷۹*** (۱/۱۰۸)	—
تعداد مشاهدات	۱,۷۸۶	۱,۷۸۸	۱,۷۰۲	۱,۶۶۲
Log Likelihood	-۱۹۹۲/۵۲	-۱۷۱۴/۰۵	-۷۵۱/۴۶	-۱۹۷۰/۵۴
AIC	۴۰۲۳/۰۲۹	۳۴۶۲/۰۹۸	۱۵۳۴/۹۲۸	۳۹۷۷/۰۷۱
نوع مدل	لجستیک ترتیبی	لجستیک ترتیبی	لجستیک	لجستیک ترتیبی

*p<۰/۱ **p<۰/۰۵ ***p<۰/۰۱

د. اسلام سیاسی در کنار گرایش حزبی

مشابه آنچه در قسمت قبل ذکر شد، این سوال وجود دارد که سازه اسلام سیاسی در مقایسه با گرایش حزبی چه میزان قدرت توصیف نگرش‌های سیاسی را دارد. خوشبختانه در پیمایش اول دو پرسش برای سنجش جهت‌گیری حزبی وجود دارد. همبستگی پیرسون بین اسلام سیاسی و گرایش حزبی در این پیمایش کمتر از انتظار و فقط برابر با ۰/۱۱۴ است (همبستگی اسپیرمن بین این دو متغیر ۰/۱۱۳ است) که نشان‌دهنده این مساله مهم است که اساساً گرایش حزبی ربط چندانی به اسلام سیاسی ندارد. این امر از دو جهت حائز اهمیت بسیار است: اول اینکه نشان می‌دهد اسلام سیاسی در میان شهروندان ماهیتاً مفهومی مجزای از گروه‌بندی‌های مرسوم در فضای سیاسی کشور است^۱ و دوم اینکه این معنا را متبادر می‌کند که برای توصیف نگرش‌ها و رفتار شهروندان ایران، به جای برچسب‌های حزبی، نیاز به درک بهتر زیرساخت‌های ایدئولوژیک (ارزشها، دانسته‌ها، دغدغه‌ها و ...) شهروندان داریم. برای تکمیل مطالعه، نگرش‌های مطالعه شده از پیمایش اول مجدداً مورد بررسی قرار می‌گیرند و این بار گرایش حزبی هم به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود. جدول زیر تحلیل نگرش‌های مربوط به اولویت تقویت کشور (در مقابل با اولویت دادن به حل مشکل رابطه با امریکا) و میزان پیشرفت کشور را نشان می‌دهد. برای هر نگرش یک بار مدلی مطابق آنچه در قسمت ۴-۳ ارائه شده بود، بدون گرایش حزبی، ارائه شده و سپس همان مدل در حالی که گرایش حزبی هم در جمع متغیرهای مستقل آمده است ارائه شده است. به وضوح شاهد هستیم که وجود یا عدم وجود متغیر گرایش حزبی تغییری محسوس در وزن یا معناداری آماری متغیر اسلام سیاسی ایجاد نمی‌کند. این امر مقوم فرضیه سوم است که، در ایران امروز، در توصیف نگرش‌های سیاسی اسلام سیاسی را مهم‌تر از گرایش حزبی می‌شمارد.

می‌بینیم که وقتی اسلام سیاسی و گرایش حزبی در کنار هم به عنوان متغیرهای مستقل قرار می‌گیرند، گرایش حزبی تقریباً فاقد اثر شمرده می‌شود، تا حدی که اصلاً افزودن آن بر اساس معیار AIC بهبودی در مدل آماری باعث نمی‌شود. دو سوال ممکن است پیش بیاید: اول این که اگر اسلام سیاسی را به عنوان متغیر مستقل نداشته باشیم، آیا گرایش حزبی هیچ قدرت توصیفی دارد یا خیر؟ تخمین مدل‌های موجود در

۱. لازم به تأکید است که این مشاهده در میان شهروندان لزوماً هیچ ارتباطی به جهت‌گیری و ایدئولوژی نخبگان سیاسی ندارد.

جدول زیر بدون وجود متغیر اسلام سیاسی باعث می‌شود که گرایش حزبی فقط در سطح ۱۰ درصد از معناداری آماری برخوردار شود که مؤید این معنا است که گرایش حزبی قدرت توصیفی حداقلی دارد ولی به دلیل گوناگونی ایدئولوژی در میان شهروندانی که برچسب حزبی یکسانی را برای خود برمی‌گزینند، خطای استاندارد برای ضرایب تخمین زده شده نسبتاً زیاد است.

سوال دوم این است که، با توجه به نمودار ۳ که نشان داد بیشتر شهروندان از اینکه خود را حتی متمایل به اصول‌گرایا اصلاح‌طلب‌ها بدانند پرهیز می‌کنند، شاید این گونه باشد که گروه میانی (بدون گرایش) باعث می‌شوند که متغیر گرایش حزبی فاقد قدرت توصیف لازم باشد. حذف این گروه از شهروندان که گرایش حزبی برای خود عنوان نمی‌کنند از تحلیل هم هیچ‌یک از نتایج را به صورت ملموسی تغییر نمی‌دهد.

جدول ۶- مدل‌های آماری برای تحلیل نگرش‌های سیاسی وقتی ابعاد دینداری نیز به عنوان متغیر مستقل در کنار اسلام سیاسی حضور دارند.

	متغیر وابسته:			
	اول تقویت ایران سپس حل مشکل با آمریکا		میزان پیشرفت ایران در قیاس با منطقه	
	۱	۲	۳	۴
اسلام سیاسی	۲/۲۹۳*** (۰/۲۹۸)	۲/۲۷۴*** (۰/۳۰۰)	۲/۴۶۵*** (۰/۲۹۱)	۲/۴۴۹*** (۰/۲۹۳)
گرایش حزبی	—	۰/۰۳۵ (۰/۰۵۴)	—	۰/۰۲۳ (۰/۰۴۹)
جنس:مرد	۰/۳۹۵* (۰/۲۰۶)	۰/۳۹۳* (۰/۲۰۶)	۰/۳۷۰ (۰/۱۸۷)	۰/۲۶۹ (۰/۱۸۷)
سن	۰/۰۳۰*** (۰/۰۰۸)	۰/۰۳۰*** (۰/۰۰۸)	۰/۰۱۸** (۰/۰۰۷)	۰/۰۱۸** (۰/۰۰۷)
درآمد	۰/۰۰۸ (۰/۰۳۹)	۰/۰۰۸ (۰/۰۳۹)	-۰/۰۱۹ (۰/۰۳۶)	-۰/۰۱۹ (۰/۰۳۶)
تحصیلات	۰/۱۸۳*** (۰/۰۴۷)	۰/۱۸۳*** (۰/۰۴۷)	-۰/۱۳۶*** (۰/۰۴۳)	-۰/۱۳۶*** (۰/۰۴۳)
اشتغال:خانه‌دار	-۰/۴۹۳** (۰/۲۳۸)	-۰/۵۰۱** (۰/۲۳۸)	-۰/۰۸۵ (۰/۲۲۱)	-۰/۰۸۹ (۰/۲۲۱)
اشتغال:سایر	-۰/۵۲۵* (۰/۲۹۲)	-۰/۵۲۰* (۰/۲۹۲)	-۰/۱۱۲ (۰/۲۵۸)	-۰/۱۰۷ (۰/۲۵۸)
اشتغال: بیکار	۰/۸۰۲** (۰/۳۴۳)	۰/۷۹۰** (۰/۳۴۳)	۰/۶۸۰** (۰/۳۱۵)	۰/۶۷۰** (۰/۳۱۶)
اشتغال:دانشجو	۰/۳۴۴ (۰/۳۰۰)	۰/۳۳۵ (۰/۳۰۰)	۰/۴۴۱ (۰/۲۷۲)	۰/۴۳۵ (۰/۲۷۲)
تاهل: متاهل	۰/۳۲۵ (۰/۴۳۸)	۰/۳۲۹ (۰/۴۳۸)	۰/۶۵۶ (۰/۴۴۱)	۰/۶۶۰ (۰/۴۴۱)
تاهل: مجرد	۰/۳۳۷ (۰/۴۷۱)	۰/۳۳۷ (۰/۴۷۱)	۰/۴۷۵ (۰/۴۶۶)	۰/۴۷۴ (۰/۴۶۶)
تاهل: فوت همسر	-۰/۱۱۰ (۰/۵۶۱)	-۰/۰۹۷ (۰/۵۶۱)	۰/۷۵۹ (۰/۵۷۸)	۰/۷۷۲ (۰/۵۷۸)
مقدار ثابت	-۲/۸۴۳*** (۰/۶۷۶)	-۳/۹۲۵*** (۰/۶۸۸)	--	--
تعداد مشاهدات	۸۸۵	۸۸۵	۸۴۷	۸۴۷
Log Likelihood	-۵۳۶/۴۱۳	-۵۳۶/۴۱۳	-۷۶۸/۸۱۶	-۶۶۲/۸۱۵
AIC	۱,۰۹۹/۲۴۸	۱,۱۰۰/۸۲۶	۱۶۶۱/۵۳۵	۱۶۶۳/۳۲۳
نوع مدل	لجستیک	لجستیک	لجستیک ترتیبی	لجستیک ترتیبی

* p<۰/۱** p<۰/۰۵*** p<۰/۰۱

جمع‌بندی

در این پژوهش تلاش شده تا گامی در جهت فهم رابطه دین و نگرش‌های سیاسی برداشته شود. ابتدا یک سازه به نام «اسلام سیاسی» به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی «عملیاتی» (به معنای تجمیع انتزاعی ترجیحات سیاسی) پیشنهاد شد. به دلیل محدودیت‌های موجود در دسترسی به داده‌های پیمایشی در سطح ملی، این سازه بر دو گویه بنا شد: لزوم انطباق قوانین با اسلام و لزوم رعایت اسلام در تصمیم‌گیریهای مسئولین. در ادامه نشان داده شد که اسلام سیاسی با ابعاد مختلف دینداری رابطه‌ای محکم دارد. البته استحکام این رابطه با ابعاد مختلف دینداری متفاوت است؛ به خصوص وقتی که بخواهیم متغیر اسلام سیاسی را با ابعاد مختلف دینداری در کنار یکدیگر توصیف کنیم.

سپس نشان داده شد که اسلام سیاسی رابطه‌ای بسیار محکم با نگرش‌های مختلف سیاسی دارد. حتی وقتی ابعاد مختلف دینداری را نیز در کنار اسلام سیاسی قرار می‌دهیم، باز هم اسلام سیاسی قدرت بسیار بالایی در توصیف نگرش‌های سیاسی در زمینه‌های مختلف دارد و در تمام موارد از سطح بالایی از معناداری آماری برخوردار است. در نهایت نشان داده شد که در میان شهروندان، اسلام سیاسی تنها رابطه‌ای بسیار ضعیف و قابل اغماض با گرایش حزبی دارد و بالطبع وقتی گرایش حزبی به عنوان یک متغیر مستقل در کنار اسلام سیاسی حضور یابد، از قدرت یا اهمیت اسلام سیاسی نمی‌کاهد.

این موارد در کنار هم نمایانگر این است که «اسلام سیاسی» را می‌توان به عنوان یکی از ابعاد اصلی (یا شاید اصلی‌ترین بعد) ایدئولوژی سیاسی شهروندان ایران معاصر برشمرد، به گونه‌ای که طیف وسیعی از نگرش‌های مختلف را سازماندهی می‌کند. روشن است که آنچه در این پژوهش مورد بحث قرار گرفته صرفاً با هدف کشف نظم موجود در میان نگرش‌های مختلف سیاسی شهروندان و رابطه آن با دینداری انجام شده است و ادعایی مبتنی بر کشف هیچ نوع تقدم و تأخر علمی وجود ندارد.

منابع

الف) منابع فارسی

امیدیان، فرانک، مرضیه دهقانی و عزیز خواجه‌حسن‌زاده‌دزفولی (۱۳۹۶)، 'اعتباریابی مقیاس دینداری و نقش روش‌های تدریس فعال با رویکرد اسلامی بر میزان دینداری دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه'، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۱۲: ۸۷-۱۱۰.

خدایاری‌فرد، محمد، عباس رحیمی‌نژاد، باقر غباری‌بناب، محسن شکوهی‌یکتا، علی‌نقی فقیهی، مسعود آذربایجانی، غلامعلی افروز، حیدرعلی مومن، مرتضی منطقی، محسن پاک‌نژاد، سیدحسین سراج‌زاده، سیدمحسن فاطمی، سعید اکبری‌زردخانه، ولی‌اله فرزاد، خسرو باقری‌نوع‌پرست، احمد به‌پژوه و هادی بهرامی‌احسان (۱۳۸۹)، 'مدل‌سنجش دینداری و ساخت مقیاس آن در سطح ملی'، پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۱: ۱-۲۴.

خدایاری‌فرد، محمد، باقر غباری‌بناب، یاسمین عابدینی و احمد به‌پژوه (۱۳۸۷)، 'آماده‌سازی مقیاس سنجش دین‌داری برای جمعیت دانشجویی'، روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۸۰: ۲۳-۴۶.

سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۸)، 'نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن'، نمایه پژوهش، ۹: ۱۰۵-۱۸.

سراج‌زاده، سیدحسین و محمدرضا پویافر (۱۳۸۸)، 'سنجش دینداری با رهیافت بومی'، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، ۲: ۱-۱۸.

سراج‌زاده، سیدحسین و محمدرضا پویافر (۱۳۸۶)، 'مقایسه تجربی سنج‌های دینداری: دلالت‌های روش‌شناسانه کاربرد سه سنج در یک جمعیت'، جامعه‌شناسی ایران، ۳۲: ۳۷-۷۱.

شجاعی‌زند، علیرضا، سارا شریعتی‌مزینانی و رامین حبیب‌زاده خطبه‌سرا (۱۳۸۵)، 'بررسی وضعیت دین‌داری در بین دانشجویان'، مطالعات ملی، ۷: -.

شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۴)، 'مدلی برای سنجش دینداری در ایران'، جامعه‌شناسی ایران، ۲۱: ۳۴-۶۶.

طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸)، 'چارچوبی مفهومی برای پیمایش دینداری در ایران'، اسلام و علوم اجتماعی، ۲: ۷-۴۸.

فرجی، عباس کاظمی و ریج - مهدی (۱۳۹۵)، "سنجش دینداری ایرانیان مسلمان". In: دفتر پژوهش های کاربردی سازمان تبلیغات اسلامی.
 کاظمی، عباس (۱۳۸۹)، "سنجش دینداری ایرانیان مسلمانی". در: دفتر پژوهش های کاربردی سازمان تبلیغات اسلامی.

ب) منابع انگلیسی

Cohen, Adam B., Ariel Malka, Eric D. Hill, Felix Thoemmes, Peter C. Hill, and Jill M. Sundie (2008), 'Race as a Moderator of the Relationship Between Religiosity and Political Alignment', *Personality and Social Psychology Bulletin*, 35: 271-82.

Converse, Philip E. (2006), 'The nature of belief systems in mass publics (1964)', *Critical review*, 18: 1-74.

Ellis, Christopher, and James A Stimson (2009), 'Symbolic ideology in the American electorate', *Electoral Studies*, 28: 388-402.

Evans, Geoffrey, and Ksenia Northmore-Ball (2017), 'Long-term factors: Class and religious cleavages.' in, *The Routledge Handbook of Elections, Voting Behavior and Public Opinion* (Routledge).

Grzymala-Busse, Anna (2012), 'Why comparative politics should take religion (more) seriously', *Annual Review of Political Science*, 15: 421-42.

Hsiao, Yi-ching, Su-feng Cheng, and Christopher H Achen (2017), 'Political left and right in Taiwan', *The Taiwan Voter*: 198.

Hutchings, Vincent L, and Hakeem J Jefferson (2017), 'The sociological and social-psychological approaches.' in, *The Routledge Handbook of Elections, Voting Behavior and Public Opinion* (Routledge).

Jou, Willy (2011), 'How do citizens in East Asian democracies understand left and right?', *Japanese Journal of Political Science*, 12: 33-55.

Kim, Junghyoun (2006), 'Religion and political attitudes in South Korea'.

Kinder, Donald R. 2006. 'Belief systems today', *Critical review*, 18: 197-216.

Rose, Richard (2002), 'How Muslims view democracy: evidence from Central Asia', *Journal of Democracy*, 13: 102-11.

Șandor, Sorin Dan, and Marciana Popescu (2008), 'Religiosity and values in Romania', *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, 4: 171-80.

Sheldon, Pavica, Philipp A. Rauschnabel, Mary Grace Antony, and Sandra Car (2017), 'A cross-cultural comparison of Croatian and American social network sites: Exploring cultural differences in motives for Instagram use', *Computers in human Behavior*, 75: 643-51.

Shupe, Anson D. (1977), 'Conventional Religion and Political Participation in Postwar Rural Japan', *Social Forces*, 55: 613-29.

Tessler, Mark (2002), 'Islam and democracy in the Middle East: The impact of religious orientations on attitudes toward democracy in four Arab countries', *Comparative Politics*: 337-54.

——— (2003), Arab and Muslim political attitudes Stereotypes and evidence from survey research', *International Studies Perspectives*, 4: 175-81.

——— (2010), 'Religion, religiosity and the place of Islam in political life: insights from the Arab barometer surveys', *Middle East Law and Governance*, 2: 221-52.

Tezcür, Güneş Murat, and Taghi Azadarmaki (2008), 'Religiosity and Islamic rule in Iran', *Journal for the Scientific Study of Religion*, 47: 211-24.

Tezcür, Güneş Murat, Taghi Azadarmaki, Mehri Bahar, and Hooshang Nayebi (2012), 'Support for democracy in Iran', *Political Research Quarterly*, 65: 235-47.